

نظر ایشان در مورد نقش و اتفاقات پیرامونش در یک گفتگوی دو نفره گفته می‌شود. واقعا تعامل کمال تیریزی با بازیگران، برای من بسیار جذاب بود و امیدوارم که قسمت باشد و این همکاری در کارهای بسیاری تکرار شود.

با وقفه طولانی مدتی که در پخش «سرزمین مادری» به وجود آمد، وقتی بالاخره سریال پخش شد و بعد از یک دهه، بازی خودتان را دیدید! چه احساسی داشتید؟ باز هم از تغییر دادن نقشتان راضی بودید؟

بله تقریباً نزدیک به ده سالی می‌شود که از ساخت فصل سوم «سرزمین مادری» گذشته، اگر اشتباه نکنم زمانی که من برای بازی نقشم به گروه ملحق شدم فروردین سال ۹۴ بود. من خودم شخصا به عنوان یک بازیگر وقتی از کاری که ساخته شده، زمان زیادی می‌گذرد ناخودآگاه دیگر ذوق و شور و شوقم را برای پخش آن از دست می‌دهم. چون اثری که در زمان خودش پخش و دیده شود طبیعتاً تأثیرگذاری متفاوتی برای بازیگر خواهد داشت تا کاری که به هر دلیل مشمول این زمان می‌شود. یک جورهایی انگار که تمام انگیزه، هزیننه و زحمتی که یک گروه بابت آن اثر کشیده‌اند زایل شده و بالطبع ذوق همه‌شان از بین می‌رود.

در مورد دیدن نقش خودم در «سرزمین مادری» باید بگویم الان که نتیجه کار را می‌بینم از اصراری که داشتم و تغییری که در نقش ایجاد کردم، خیلی خوشحالم. چون برای یک بازیگر خیلی مهم است که بتواند متفاوت عمل کند، نقش‌های تکراری بازی نکند و کلیشه نشود و این بحث فرصت‌هاست. بحث این است که به بازیگرها این اجازه و فرصت داده شود تا توانایی‌شان را در نقش‌های مختلف نشان دهند و ثابت کنند. ولی متأسفانه همیشه به این شکل است که وقتی بازیگری در یک نقش، خوب عمل می‌کند دیگر در همان نقش تکرار می‌شود. در واقع بازیگرها را دچار کلیشه می‌کنند و این برای همه اتفاق می‌افتد.

الان دارم تأثیر این تفاوت را می‌بینم و با این که نقش من فقط در یک فصل از این سریال بود ولی با باز خوردی که از دیگران دیدم، متوجه شدم که باز هم در همین ابعاد، تأثیر گذار بوده و بابت این فرصت از کمال تیریزی بسیار ممنونم. امیدوارم فرصت‌های متفاوت به همه بازیگران داده شود. خیلی مهم است که ما بدانیم یک بازیگر، اسمش باز یگر است و باید توانایی بازی هر نقشی که به او سپرده می‌شود را داشته باشد. به نظر من دسته‌بندی کردن آن‌ها مثلاً به بازیگرهای نقش منفی و مثبت یا جدا کردن بازیگرهای نقش‌های طنز از نقش‌های جدی؛ دسته‌بندی کاملاً اشتباهی است.

با این که سال‌های بسیار زیادی از پخش سریال «خواب و بیدار» می‌گذرد، مردم هنوز هم شما را

با شخصیت «کبری» می‌شناسند و دوستان دارند. در واقع آن کاراکتر، جزو نقش‌هایی بود که به قولی می‌توانست سکوی پرتابی برای ایفاگرش باشد. از آن نقش‌هایی که بعد از ایفای آن، پیشنهادهای بازی متفاوتی برای بازگش داشت. درست است که شما چهره محبوب و شناخته‌شده‌ای هستید اما به نظر خودتان، لبلا بر خورداری بعد از ایفای آن نقش به یادماندنی نباید نقش‌های متفاوت دیگری بازی می‌کرد و جایگاه بالاتری می‌داشت؟

به نظر من شما سوال تان راز آدم اشتباهی می‌پرسید! این راز من نباید بپرسید، باید از کارگردان‌ها و تهیه‌کننده‌ها بپرسید که چرا این‌گونه است و چرا این فرصت‌ها داده نشده.

با مطرح کردن این سوال می‌خواستیم نگاه خودتان را به این ماجرا بدانیم. از طرفی چون رقم نخوردن این اتفاق خیلی بعید و عجیب به نظر می‌رسد، این تصور هم می‌شود که شاید پیشنهادهای بوده و شما در آن دوره به دلایلی نپذیرفته‌اید.

نه اصلاً این‌طور نیست. واقعیت و صادقانه‌اش این است که این سوال را افراد زیادی از من پرسیده‌اند و پاسخ من همیشه این بوده که خودم هم نمی‌دانم! خودم هم این تصور را داشتم که شاید بعد از «خواب و بیدار» یک جایگاه دیگری یا ورود خیلی موفق تری به سینما داشته باشم ولی خب این‌طور پیش نرفت. البته نه این که ناراحت باشم، من از جایگاهی که همین الان دارم هم راضی‌ام. چون بدون هیچ حمایتی و با تلاش و پشتکار خودم به همین جا رسیدم. در واقع یک بازیگر مستقلم، هر چند که در این حرفه پیشرفت برای یک بازیگر مستقل، خیلی سخت خواهد بود. اگر بخواهم به زبان ساده بگویم وقتی من یک بازیگری هستم که هیچ حمایتی ندارم، هیچ پارتی و پولی ندارم، مثلاً نمی‌توانم برای حضور در پروژه‌ای، اسپانسر بپریم تا بتوانم با تزریق پول، به آن جاورود کنم، در هیچ گروه و دسته‌ای هم نیستم، کار کردن بر این سخت‌تر خواهد بود. البته امثال من کم نیستند. هنرمندان بسیاری چه در زمینه سینما چه در حوزه‌های دیگر هنر هستند که مستقل‌اند، وابسته به هیچ دسته و گروهی نیستند، هیچ حمایتی ندارند و طبیعتاً فعالیت و پیشرفت‌شان در این محیط خیلی سخت‌تر از دیگران است.

سخت‌تر بودن آن از این جهت است که مثلاً یک بازیگر با شرایطی که توضیح دادم باید منتظر بنشیند تا ببیند مثلاً چه نقش خوبی به



او پیشنهاد می‌شود و حالا سعی کند از بین آن نقش‌های پیشنهادی، بهترینش را که با عقبه و کارهای قبلی‌اش هم خوانی دارد، انتخاب کند که خب این هم یک چیز نسبی است، اصلاً نمی‌توان گفت که صددرصد اتفاق می‌افتد. برای من هم در تمام این سال‌ها همین روند بوده، ممکن است آن نقش‌هایی که خیلی ایده‌آلم هست یا دلم خواهد، پیشنهاد نشود و من می‌بایست از آن چه که موجود است انتخاب و ایفا کنم. ولی این‌طور نیست که خودم نخواسته باشم. مگر می‌شود که مثلاً یک نقش اصلی خوب یا یک نقش مکمل خوب در سینما به من پیشنهاد شود و من قبولش نکنم؟! خب چرا قبول نکنم؟ این احتمالنه است!

دقیقاً همین‌طور است. اما به هر حال سوالی است که به ذهن می‌آید و احتمالاً برای خیلی‌ها هم سوال باشد.

همان‌طور که عرض کردم به جز شما که در مقام یک خبرنگار این سوال را می‌پرسید، افراد زیادی در بین دوستان و اطرافیان حتی آدم‌های عادی هستند که هر وقت با من برخورد می‌کنند، یکی از بحث‌هایشان همین است که تو تحصیل کرده این رشته‌ای، بازیگر خیلی توانمندی هستی، لایق بهتر از این بودی یا می‌توانستی جایگاه خیلی بهتری داشته باشی البته این لطف دوستان است، حرف من نیست. من معتقدم که هیچ‌کسی نمی‌تواند تعیین کند که بهتر چیست یا بدتر چیست.

از طرفی نمی‌توانم صددرصد بگویم که حتماً باید این‌گونه می‌شده چون به نظر من سینما یک هنر کاملاً نسبی و سلیقه‌ای است و به دلیل همین نسبی بودن نمی‌توان قطع به یقین گفت که چرا فلان شخصیت توانسته در این جایگاه باشد و فلان شخصیت نتوانسته است. به هر علتی ممکن است یک نفر بیشتر دیده شود یک نفر کمتر، در عین این که به قول شما ممکن است آن کسی که کمتر دیده می‌شود توانمندتر باشد و این اتفاق زیاد می‌افتد. در واقع یک وجه هنرمند مستقل و بدون حمایت که کامل توضیح دادم و وجه دیگرش هم نسبی و سلیقه‌ای بودن این ماجراست.

حقیقتش را بخواهید من از یک جایی به بعد موضوع را رها کردم. یعنی در عین این که تمرکز روی حرفه‌ام هست و برایش تلاش می‌کنم؛ این ماجرا که حالا چه نقشی به من پیشنهاد خواهد شد، چه اتفاقی می‌افتد، نمی‌افتد، قرار است در ادامه چه مسیری داشته باشم یا نداشته باشم، چه قدر می‌توانم انتخاب داشته باشم، بعدها چه نقش‌هایی در کارنامه‌ام خواهد بود؛ دیگر به این‌ها فکر نمی‌کنم، رهایشان کردم. در عین



تقریباً نزدیک به ده سالی می‌شود که از ساخت فصل سوم «سرزمین مادری» گذشته، اگر اشتباه نکنم زمانی که من برای بازی نقشم به گروه ملحق شدم فروردین سال ۹۴ بود. من خودم شخصا به عنوان یک بازیگر وقتی از کاری که ساخته شده، زمان زیادی می‌گذرد ناخودآگاه دیگر ذوق و شور و شوقم را برای پخش آن از دست می‌دهم